

# خانه های ارامنه جلفای نواصفهان

کاراپت کاراپتیان

مترجم: مریم قاسمی سیجانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد خوراسکان (اصفهان)



انتشارات فرهنگستان هنر

پاییز ۱۳۸۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه مترجم
۱۵	یادداشت
۱۷	مقدمه
۱۹	یادداشت‌های مقدماتی
۲۵	بخش اول: جلفای اصفهان
۲۹	نگاهی به تاریخ جلفا
۲۹	نخستین کوچ ارامنه به اصفهان
۳۰	دومین و آخرین کوچ ارامنه
۳۵	ارامنه و جانشینان شاه عباس
۳۷	ارامنه در اواخر دوره صفویه
۴۴	ارامنه در زمان آغامحمدخان قاجار و جانشینان او
۴۶	مختصری از تاریخچه جلفا
۴۸	ملاحظات درباره نام جلفا

۵۰	یادداشت‌هایی مختصر دربارهٔ ساخت جلفای نو
۵۱	طرح شهری: تشریح طرح کلی
۶۹	بخش دوم: معرفی خانه‌ها
۷۱	۱: خانهٔ خواجه بطرس ولیجانیان
۱۱۹	۲: خانهٔ سوکیاس
۱۴۹	۳: خانهٔ هوسپ امیرخان
۱۶۵	۴: خانهٔ آقا کمال
۱۷۹	۵: خانهٔ در گریگور
۲۰۱	۶: خانهٔ میناس کرت
۲۱۹	۷: خانهٔ خواجه وسکان
۲۳۵	۸: خانهٔ خواجه هوسپ
۲۵۷	۹: خانهٔ جانی یا گانی (مارتا پیترز)
۲۸۱	۱۰: خانهٔ کرم خان
۲۹۳	۱۱: خانهٔ وارطانس آبکار
۳۰۹	۱۲: خانهٔ آقانور
۳۳۱	۱۳: خانهٔ لئون وکیل الدوله
۳۵۷	نمایه

## پیشگفتار

جلفای نو (جلفای اصفهان) یکی از مراکز مهاجرت و اسکان آرامنه در ایران، و جایگاه کلیساها و خانه‌های زیبا و پرشکوه بوده است. از آن همه خانه تنها تعدادی اندک برجای مانده است و همین تعداد اندک کافی است تا شکوه و عظمت آنها را گواه باشد. امروز از چهار خانه ارزشمند جلفا (خواجه پطرس ولیجانیان، گانی (مارتا پیترز)، سوکیاس و داوید) به عنوان بخشهایی از دانشگاه هنر اصفهان (پردیس) استفاده می‌شود؛ خانه سیمون به باشگاه آرامنه تبدیل شده و در برخی خانه‌ها چون خانه زوولیان، دفاتر مهندسی مستقر شده است. در تعدادی از این خانه‌ها هم آرامنه بی‌خانمان و مالکان اصلی زندگی می‌کنند. تعدادی از این خانه‌ها به عنوان آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و در نگهداری آنها سعی می‌شود، اما متأسفانه تعداد بی‌شماری از آنها به دلایل متعدد همچون ساخت خیابانهای حکیم نظامی و توحید، منفعت طلبی سودجویان و عدم آگاهی و شناخت ارزشهای والای معماری، هنری و فرهنگی، تخریب شده است و من خود شاهد ویران شدن بسیاری از آنها بوده‌ام. امید است همت مسئولان، خانه‌های تاریخی باقیمانده را از تخریب نجات بخشد.

خانه‌های شاخص جلفای نو، متعلق به تجار بزرگ، روحانیون یا بزرگان بود. این خانه‌ها، معمولاً از دو بخش تابستان نشین و زمستان نشین تشکیل می‌شد و بیشتر آنها در قسمت سایه‌خانه (پشت به آفتاب) دارای زیرزمین بود که در آن مواد خوراکی و آشامیدنی نگهداری می‌شد. برخی از این خانه‌ها سه طبقه بود و برخی، فضاهایی مخصوص زنان داشت (مانند خانه داوید، که دارای دو حیاط بود و حیاط کوچک جنوب غربی خاص زنان بود)؛ در برخی از این خانه‌ها، حیاط و اصطبل برای نگهداری حیواناتی چون اسب و یابو یافت می‌شد.

تاکون معماری، نقاشی، تزیینات و تاریخ ساخت خانه‌های جلفای نو در چندین کتاب به زبانهای انگلیسی، ایتالیایی و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ از جمله کتاب New Julfa نوشته «جان کارسول» که در آن پس از بحث درباره تاریخچه جلفا ابتدا از کلیساهای جلفا و سپس از دو خانه مارتا پیترز (گلی) و سوکیاس سخن رفته است و Isfahan New Julfa, The Houses of the Armenians تألیف «کاراپت کاراپتیان» (کتاب حاضر) که در آن سیزده خانه به همراه عکس و نقشه مورد بررسی قرار می‌گیرد. <sup>۱</sup> خانه‌های توصیف شده در کتاب کاراپتیان هم در محلات قدیمی و هم محلات تازه ساخت جلفای نو قرار دارند. امروزه پس از گذشت سالها از تألیف این کتاب، بسیاری از خانه‌هایی که کاراپتیان توصیف کرده است، همچون خانه خواجه و سکان، آقا کمال و... کاملاً تخریب شده‌اند و به جلی آنها خانه‌هایی بدون هویت و فاقد ارزشها و معیارهای محلی ساخته شده‌اند که جلی بسی افسوس است.

درباره خانه‌های جلفای نو، مقاله‌هایی نیز از «آرام یرمیان» و «هاروون کیوردیان» در ماهنامه‌های آن‌هاید پاریس و هایرنیک <sup>۲</sup> بستان به چاپ رسیده است.

باید یادآوری کنیم که در روستای گرجی نشین فریدن نیز خانه‌هایی با ارزش و شبیه به خانه‌های جلفای نو ساخته شده که هنوز تعدادی از آنها باقی است. از ویژگیهای جالب این خانه‌ها در و پنجره‌های نفیس و اُرسیها، نقاشیهایی از حضرت مریم و عیسی مسیح (ع) و فرشتگان و صحنه‌هایی از شکار، و ستونهای نقاشی شده و زیباست. یکی از این خانه‌های ارزشمند در سال ۱۹۶۳م [۱۳۸۳ هـ.ق/۱۳۴۲ هـ.ش]، متعلق به رضوان پسر حسن خان بود؛ مطمئناً این خانه قبل از تغییر آیین و مسلمان شدن مالکان آن ساخته و تزیین شده است.

هم اکنون جلفای نو دارای هشت محله میدان بزرگ، میدان کوچک، چارسو، قاراگل، هاکوپجان، سنگ تراشها، تبریزها (یا محلات) و ایروانیهاست که شش محله اول، در سالهای اول مهاجرت ارمنه به اصفهان در زمان شاه عباس اول، و دو محله تبریزها و ایروانیه حدود ۵۰ سال بعد، یعنی حدود سال ۱۶۵۵م [۱۰۶۵ هـ.ق] در زمان شاه عباس دوم، در پی دستور شاه مبنی بر خروج ارمنه از اصفهان، ساخته شده است. این گروه از ارمنه در قسمت غربی جلفای نو، چندین محله ساختند که این محله‌ها بعداً مسلمان نشین شد و تنها دو محله ایروانیه و تبریزها هنوز ارمنی نشین است.

امروز بر اثر گذر ایام و تحولات گوناگون، از جمله مهاجرت ارمنه از جلفای نو به دیگر نقاط جهان به علل مختلف و احداث خیابانهای حکیم نظامی و توحید، این محل دچار تغییرات شدیدی شده و انسجام و یکپارچگی خود را از دست داده است. یکی از علل عمده تخریب بافت آن تمایل بیش از حد به نوسازی، و سکونت در این بافت تاریخی است که در سالهای اخیر به سرعت به تغییر چهره این بافت انجامیده است.

لئون میناسیان، <sup>۳</sup> اصفهان ۱۳۸۵

## پی نوشتها

۱. جای بسی خوشحالی است که پس از گذشت حدود سی سال (از ۱۹۷۴ م تاکنون) این کتاب از انگلیسی به فارسی برگردانده می شود.
۲. هایرنیک به معنای وطن است.
۳. لئون میناسیان محقق و استاد ارمنی است که تاکنون کتابها و مقالات بسیاری درباره آرامنه اصفهان و محله جلفا منتشر کرده است. این مقدمه نیز به پیشنهاد وی از مقاله «نظرمختصری به خانه های قدیمی جلفای نو اصفهان» (مجله ارمنی شناسی هایکازیان، بیروت، ۱۹۹۷، شماره ۱۷) انتخاب شده و خانم آریینه سردار یانست، آن را از ارمنی به فارسی ترجمه کرده اند. - م.

### مقدمه مترجم

شهر اصفهان یکی از کانونهای اصلی معماری و شهرسازی ایران دوره اسلامی است که در زمان حکومت صفویان اهمیت بسیار می یابد و عمده تحولات معماری و شهرسازی ایران در آن اتفاق می افتد. اصفهان در زمان پادشاهی شاه عباس اول در سال ۱۰۰۶ ه. ق (۱۵۹۸ م) به عنوان سومین پایتخت سلسله صفویه انتخاب شد و شهر جدید صفوی، در کنار شهر پیر آوازه قدیم بنا گردید و محور بازار پیوند دهنده دو بخش یاد شده بود. محورهای اصلی شکل دهنده و توسعه شهر جدید اصفهان، محور چهارباغ (از دروازه دولت تا باغ هزارگریب) و زاینده رود بود.

بر اساس مقتضیات و سیاست جنگ با عثمانی و آگاهی شاه عباس از توانمندی ارامنه در تجارت و به منظور بهبود وضع اقتصادی کشور، شاه دستور کوچ اجباری ارامنه را از موطن اصلیشان جلفا در کنار رود ارس، به پایتخت صفوی صادر کرد و مناطق مختلفی به سکونت این قوم اختصاص داده شد. روستاییان به دهات فریدن و چهارمحال فرستاده شدند و جلفاییان کوچانده شده به اصفهان، در جنوب غربی زاینده رود، در اراضی متعلق به شاه، با آزادی کامل شهرکی ساختند که به یاد موطن قبلیشان جلفای نو نامیده شد. این منطقه با چندین پل به پایتخت متصل می شد. ارامنه در این محله بر اساس آداب و رسوم خود زندگی می کردند و به منظور حفظ دین و اعتقادات مذهبی خود بیست و پنج کلیسا در این شهرک برپا کردند؛ این کلیساها علاوه بر کاربری مذهبی، نقش آموزشی نیز داشتند. شاردن جهانگرد فرانسوی که در زمان صفویه از اصفهان بازدید کرده، از «جلفای نو» به عنوان بزرگ ترین شهرک دنیا نام می برد. رونق زیاد پایتخت صفوی، فعالیت اروپاییان را در دربار موجب شده بود که به دلیل هم کیشی با ارامنه، اغلب در جلفا سکنی می گزیدند. بنابراین از آن زمان، جلفا محل اصلی حضور ارامنه و خارجیان و یکی از مراکز عمده تجارت دنیای قدیم گردید و آوازه ثروت مردم جلفای نو در دنیا پیچید.

پس از دوره شاه‌عباس اول، آزادیهای ارامنه محدود شد و مهاجرت ارامنه به دیگر نقاط از جمله هند و... آغاز گردید. ارامنه‌ای که از جلفای نو به دیگر نقاط جهان مهاجرت کردند، نقش مهمی در تغییر و تحولات فرهنگی و تأمین هزینه‌های ساکنان جلفای نو در دوران سختی ایفا کردند. در دوره قاجاریه، همزمان با آغاز ارتباط یکسویه با غرب، بسیاری از خارجی‌ان (از جمله مسیونرها) به اصفهان آمدند و در محله جلفا سکنی گزیدند، به گونه‌ای که بیشترین تأثیر و اولین نشانه‌های معماری غربی در شهر اصفهان، در جلفا به چشم می‌خورد. تأثیر فرهنگ و معماری غربی در جلفای نو در بناهایی چون مدارس فرانسویان، کاتانینان، کاتارینیان و برخی خانه‌ها دیده می‌شود.

همزمان با دوره معاصر و خیابان‌کشیهای جدید در اصفهان، ساخت خیابان حکیم نظامی باعث گردید که یکپارچگی بافت جلفای نو از بین برود و این محله به دو بخش مجزا تقسیم گردد و بسیاری آثار ماندگار آن از جمله خانه‌های تاریخی تخریب شود. احداث خیابان توحید نیز باعث تخریب بخش دیگری از جلفای نو (در مقیاس کمتر نسبت به خیابان حکیم نظامی) گردید.

از بدو ایجاد جلفای نو تاکنون جهانگردان، محققان و... بسیاری به وصف آن پرداخته‌اند؛ شاید بتوان گفت که بخش عمده منابع مکتوب در مورد اصفهان، اسناد مرتبط با جلفاست که از جمله می‌توان به شرح جلفا به قلم پیتر و دلاواله (جهانگرد ایتالیایی در زمان شاه‌عباس)، فیگوئروا (سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا در دربار شاه‌عباس)، آدام اولناریوس (منشی و مترجم هیئت بازرگانی آلمانی در زمان شاه صفی و مترجم گلستان سعدی به زبان آلمانی)، شاردن (فیلسوف، سیاح، نویسنده و بازرگان فرانسوی در زمان صفویه)، پاسکال کوست (معمار فرانسوی در زمان قاجار)، بی‌رلوتی (نویسنده نامدار فرانسوی که در دوره قاجار به اصفهان آمد)، هاروتون دره‌هوانیان (محقق و تاریخ‌نویس ارمنی در زمان قاجار)، خلیفه یوزکچیان (راهب ارمنی کاتولیک در زمان قاجار)، کارسول (محقق انگلیسی در دوره معاصر و مؤلف کتابی درباره جلفا)، کاراپتیان (معمار ارمنی دوره معاصر)، و... اشاره کرد. همچنین بخش عمده‌ای از مجموعه عکسهای اریش هولتسر از جلفای اصفهان است.

از جمله شاخص‌ترین بناهای جلفا، کلیساهای ارامنه، مدارس تاریخی جلفا، خانه‌های تاریخی، میدان بزرگ جلفا و قبرستان ارامنه است. خوشبختانه کلیساهای جلفا به علت تقدس مذهبی، مدارس به سبب اهمیت آموزشی و میدان جلفا به خاطر اهمیت شهری آن، با وضع مناسبی حفظ شده‌اند. از این میان، خانه‌های تاریخی بیشتر در معرض تخریب و آسیب قرار گرفته و اکثر آنها تخریب شده‌اند.

از جمله مهم‌ترین منابع درباره معماری خانه‌های جلفا می‌توان به کتاب خانه‌های ارامنه جلفای نو اصفهان تألیف کاراپت کاراپتیان که به دو زبان انگلیسی و ایتالیایی نگارش یافته است، اشاره کرد، و کتاب حاضر نیز ترجمه‌ای است از متن انگلیسی



همین اثر. شیوه نگاه کاراپتیان به خانه‌های جلفا بسیار جالب و درخور توجه است. وی ابتدا در مورد چگونگی و تاریخچه حضور ارامنه در اصفهان و نحوه ساخت و طراحی جلفای نو به بحث و بررسی می‌پردازد؛ سپس سیزده خانه از شاخص‌ترین خانه‌های جلفا را معرفی می‌کند. او در معرفی هریک از خانه‌ها، مشخصات کلی چون تاریخچه ساخت بنا، معماری، تزیینات و پیشنهادهایی برای حفاظت و مرمت بنا ارائه می‌کند و برای شناخت بهتر آنها، به بررسی تطبیقی این خانه‌ها با بناهای هم عصر از جمله هشت بهشت، عالی قاپو و... می‌پردازد.

همچنین در دفتر چهارم مجموعه گنجنامه، خانه‌های اصفهان<sup>۳</sup> چهار خانه جلفا (مارتا پیترز (گانی)، سوکیاس، زوولیان، داوید) توصیف شده و نقشه‌های آنها ارائه گردیده است.

سیمون آیوازیان هم در مقاله «نقش دو فرهنگ در شکل‌گیری منازل جلفای اصفهان» در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ارگ بم، ۱۳۷۶)، به بررسی تطبیقی تعدادی از خانه‌های مسلمانان با ارامنه می‌پردازد. از دیدگاه آیوازیان، ارامنه با رعایت فرهنگ ایرانی و اسلامی و باورها و سنن اجدادی خود، به تحولات خاصی در معماری مسکن راه می‌یابند که نتیجه ادغام دو فرهنگ ایرانی - اسلامی و مسیحی است. از دیدگاه او، شباهت خانه‌های جلفا با خانه‌های اصفهان را می‌توان در معماری درونگرا، نحوه ورود به خانه و حیاط، نماهای رو به حیاط (تزیینات بیرونی و تناسبات)، نحوه تردد و ارتباط بین اتاقها و حیاط، ترکیب فضاهای اصلی و فرعی در طبقه همکف و هویت معماری که تابع معماری ایرانی و اسلامی است، دانست. تفاوت عمده خانه‌های ارامنه با مسلمانان، در نقش و اهمیت آب در خانه‌ها و تزیینات نقاشی است.

در کتاب Maisons d' Ispahan که در سال ۲۰۰۱م به سرپرستی داراب دیبا، فیلیپ ریوالت<sup>۴</sup> و سرژ ساتتلیا<sup>۵</sup> منتشر شده است، خانه‌های زوولیان، سوکیاس، داوید، ایوبی، مارتا پیترز (گانی) از خانه‌های جلفا، به همراه تعدادی دیگر از خانه‌های اصفهان مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در پایان لازم می‌دانم سپاس و قدردانی ویژه خود را از زحمات جناب آقای دکتر غلامحسین معماریان که پیشنهاد ترجمه این کتاب را در راستای انجام پایان‌نامه دکتری معماری<sup>۶</sup> به اینجانب ارائه فرمودند، جناب آقای مهندس احمد منتظر که با وقت بسیار، زحمت ویراستاری علمی این ترجمه را متقبل گردیدند، سرکار خانم مهندس زیبا شرفی که تطابق و بازخوانی متن را از انگلیسی به فارسی با حوصله بسیار به انجام رسانیدند و همچنین سرکار خانم میترا بدری زاده نمونه خوان این اثر و سرکار خانم الهام حقیقی اعلام دارم. نیز لازم است از زحمات عزیزانی که نام آنها در زیر می‌آید، تشکر کنم:

جناب آقای دکتر احمدعلی فروغی ابری، جناب آقای دکتر باقر آیت‌الله زاده شیرازی، جناب آقای دکتر عبدالله جیل عاملی، جناب آقای دکتر محمد مسعود، استاد لئون میناسیان، سرکار خانم سونا زرگریان، سرکار خانم مری آیوازیان، سرکار

خانم خندان ویل کی جی، مهندس محمد کریم متقی، مسئولین دانشگاه هنر اصفهان، تعدادی از دانشجویانم در درس «برداشت از بناهای تاریخی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، از جمله خانمها آریینه سردار یانست، معصومه اجل لوئیان، مرضیه ایزدی، مهدیه بکناشیان، زهرا خلیلیان، زینت رضایی، شیوا شمس، نسرین صالحان، زهرا علوی، پگاه فتحی، معصومه کیانی، غزال محمدی نژاد، فاطمه سادات مجیدی، هاجر مهربان، غزل نیازی، غزاله نیازی، ندا پورحیدر و مریم باغبان.

### مریم قاسمی سیچانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (اصفهان)

### پی نوشتها

۱. برای تبدیل تاریخهای میلادی به هجری قمری و شمسی، رک: احمد، بیرشک. گاهنامه تطبیقی سه هزارساله (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷).
۲. در جلفای اصفهان کلاً بیست و پنج کلیسا ساخته شده است. از آنجا که کلیسای ها کوپ مقدس در مجموعه کلیسای حضرت مریم واقع شده است، برخی تعداد کلیساهای آرامنه را بیست و چهار عدد ذکر می کنند. در زمان حاضر هفده کلیسا در جلفا وجود دارد؛ کلیساهای آرامنه گریگوری: گئورک، وانک، ها کوپ، مریم، استیانوس، هوانس، کاتارینه، بیدخهم، نیکو غایوس، گریگور، میناس، سرکیس، نرسس؛ کلیسای کاتولیکها: مجموعه دومینکن (کلیسای رُزاریا Rosaria) و ...؛ و از آن پروتستانها: پولوس و آدوتیستهاست. اکثر مسیحیان جلفا، گریگوری هستند. از سوی پلی تکنیک میلان کتابی با عنوان Nor D, Julfa درباره کلیساهای جلفا منتشر شده است که در دست ترجمه است و به زودی به فارسی منتشر خواهد شد.
۳. مجموعه گنجنامه شامل حدود ۱۹ دفتر است که زیر نظر مهندس کامبیز حاجی قاسمی و با همکاری دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور منتشر شده است. دفتر چهارم گنجنامه به معرفی خانه های اصفهان اختصاص دارد که در آن بیست و یک خانه معرفی و نقشه ها و تصاویر آنها ارائه شده است.
4. Philippe Revault
5. Serge Santelli
۶. تحت عنوان «بازشناسی بخشی از هویت معماری ایرانی به وسیله تحلیل گونه شناسانه خانه های اصفهان» در دست انجام در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.